

دریچه

«مشق امشب» در جشنواره مستند لیوبلیانا

● مستند «مشق امشب» به کارگردانی اشکان نجاتی و مه‌ران نعمت‌اللهی در بخش مستندهای اجتماعی انتقادی بیست‌وچهارمین جشنواره فیلم

مستند لیوبلیانا به نمایش درمی‌آید.

مستند «مشق امشب» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی اشکان نجاتی و مه‌ران نعمت‌اللهی در دومین حضور بین‌المللی در جشنواره فیلم مستند لیوبلیانا به نمایش درمی‌آید. «مشق امشب» در بخش مستندهای اجتماعی-انتقادی بیست‌وچهارمین جشنواره فیلم مستند لیوبلیانا که از ۱۸ تا ۲۵ اسفند در کشور اسلووونی برگزار می‌شود، حضور دارد. اولین نمایش جهانی این مستند در سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند «ایدفا» که معتبرترین جشنواره مستند جهان است، رقم خورد. «مشق امشب» لایه‌های پنهانی از نظام آموزشی را که از دید جامعه دور مانده است، به تصویر می‌کشد.

عوامل «مشق امشب» عبارت‌اند از طراح و کارگردان: اشکان نجاتی و مه‌ران نعمت‌اللهی، مدیر فیلم‌برداری: حامد فرشته‌حکمت، صدابردار: فرید پیرایش، صداگذار: سیدرضا گدازگر، تدوین: وحید گلستان، دستیار تدوین: مظهره روحی‌نیا، طراح تیتراژ: کورش یارسانژاد، دستیار اجرایی تیتراژ: محمد مهرانفر، برنامه‌ریز: مرجان پروین‌حسینی، منشی صحنه: مهسا معارف‌خواه، اصلاح رنگ و نور: فرید جلالی، ساخت تیزر: ماهک منصوریان، مدیر تولید: منصور غلامی، عکاس: غلامرضا بهرامی، انساژ افترخاری و زهره لطفی، طراح سایت: ایمان نعمت‌اللهی، مترجم: صنم کلانتری، زیرنویس: پوریا صدر، مدیر تدارکات: حسین کریمی، طراح پوستر: سید جعفر ذهنی، طراح لوگو: سعید سلیمی، تهیه‌کننده: اشکان نجاتی و مه‌ران نعمت‌اللهی، پخش بین‌الملل: محمد اطایی و مشاور رسانه‌ای: نغمه دانش‌آشنایی.

اعتراض به اسکار ادامه دارد

● مهر: شماری از مطرح‌ترین چهره‌های هالیوودی از جمله جیمز کامرون به معترضانی پیوستند که تا تصمیم جدید اسکار مخالف هستند. جیمز کامرون سازنده «تایتانیک» و «آواتار»، کاتلین کندی تهیه‌کننده هالیوودی و لیلی فینلی زانوک و جان ویلیامز آهنگساز سرشناس از جمله چهره‌هایی هستند که با تصمیم اسکار مبنی بر پخش‌کردن مستقیم اهدای جوایز در هشت بخش از جوایز اسکار مخالف هستند. همه این افراد از اسکار می‌خواهند تا همه برندگان ۲۳ جایزه اسکار را به‌صورت زنده از برنامه تلویزیون ۲۷ مارس پخش کنند.

در نامه‌ای که به این مناسبت به دبوید روبین، رئیس آکادمی اسکار فرستاده شده این خواست مطرح و تأکید شده که با عملی‌شدن تصمیم اسکار این هشت بخش تحقیر و به شهروند درجهٔ ۱ بدل می‌شوند.

این هشت بخش شامل موسیقی متن، تدوین فیلم، طراحی تولید، چه‌رپردازی، صدا، مستند کوتاه، فیلم کوتاه و انیمیشن کوتاه هستند. آکادمی اما اصرار دارد که با پخش این بخش به‌صورت غیرمستقیم چیزی از آن کاسته نمی‌شود و هم نامزدها در این بخش‌ها معرفی می‌شوند و هم سخنرانی برنده پخش می‌شود تا درنهایت برنامه اهدای جوایز اسکار در سه ساعت از ABC پخش شود و طولانی‌تر از این نشود.

در نامه اعتراضی این هنرمندان آمده است: «کاهش هریک از این بخش‌ها آسیب‌های جبران‌ناپذیری به جایگاه آکادمی به‌عنوان داور بی‌طرف در مهم‌ترین جوایز صنعت ما وارد می‌کند. همچنین تأکید شده که تلاش برای جذب مخاطبان جدید از طریق سرگرم‌کننده‌ترکردن بخش تلویزیونی، هدفی قابل ستایش و مهم است اما با تحقیر آن بخش از صنعت بزرگ سینما که با کار خود هنر فیلم‌سازی را شایسته تجلیل می‌سازد، نمی‌توان به این هدف دست یافت.

این گروه از رویین و همکارانش در کمته جوایز آکادمی خواسته‌اند به قوی‌ترین شرایط ممکن تصمیم خود را تغییر و نشان دهند در نزدیک به یک قرنی که از اهدای جایزه اسکار می‌گذر، این جایزه نشان‌دهنده استاندارد طلایی در به‌رسیمت‌شناختن و ارج‌نهادن به همه هنرهای ضروری در فیلم‌سازی بوده است.

جان ویلیامز آهنگساز ۹۰ساله و برنده ۵ جایزه اسکار - که با ۵۲ نامزدی، رکورد بیشترین تعداد نامزدی توسط یک فرد زنده در رد اختیار دارد - در میان امضاکنندگان است. کارگردان، استیون اسپیلبرگ، هفته قبل در محکومیت این تصمیم، به جایگاه ویلیامز در ساختن‌شدن «آرواره‌ها» اشاره کرد و گفت: بدون جان ویلیامز، «آرواره‌ها» در سطح دندان مصنوعی می‌ماند.

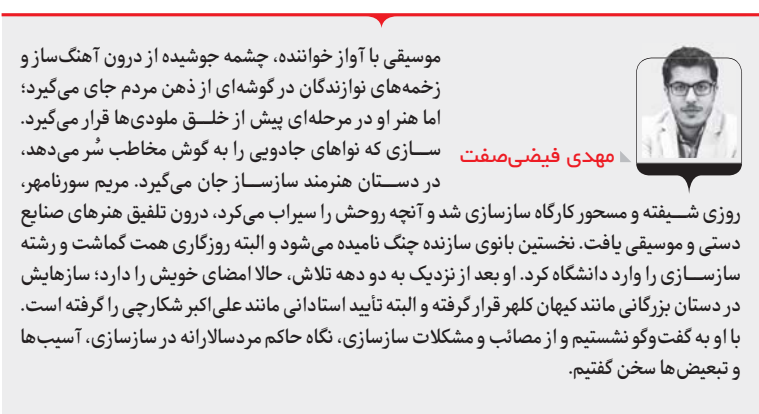
جیمز کامرون، جو-راث و گی‌رمو دل تورواز کارگردان‌هایی هستند که این نامه را امضا کرده‌اند. نام تهیه‌کنندگان مهمی چون کندی و زانوک نیز در این نامه مشاهده می‌شود.

آهنگ‌سازان مطرحی چون برندگان اسکار هاوارد شور، دیو گرویس، الکساندر دیلیات، استیون پرایس، هیلدور گوانادوتیر، جان کوریلینو، تان دان و یان کارمازک و رامین جوادی برنده امی نیز نامه را امضا کرده‌اند.

هنر

روایت مریم سورنامهر از سازسازی، تبعیض‌ها و بی‌مهری‌ها در گفت‌وگو با «شرق»

روی پای خودم ایستادم و به‌تنهایی جلو آمدم



موسیقی با آواز خواننده، چشمه جوشیده از درون آهنگ‌ساز و زخمه‌های نوازندگان در گوشه‌ای از ذهن مردم جای می‌گیرد؛ اما هنر او در مرحله‌ای پیش از خلق ملودی‌ها قرار می‌گیرد. سازی که نواهای جادویی را به گوش مخاطب شُر می‌دهد، در دستان هنرمند سازساز جان می‌گیرد. مریم سورنامهر، روزی شیفته و مسحور کارگاه سازسازی شد و آنچه روحش را سیراب می‌کرد، درون تلفیق هنرهای صنایع دستی و موسیقی یافت. نخستین بانوی سازنده چنگ نامیده می‌شود و البته روزگاری همت گماشت و رشته سازسازی را وارد دانشگاه کرد. او بعد از نزدیک به دو دهه تلاش، حالا امضای خویش را دارد؛ سازهایش در دستان بزرگانی مانند کیهان کلهر قرار گرفته و البته تأیید استادانی مانند علی‌اکبر شکارچی را گرفته‌است.

با او به‌گفت‌وگو نشستیم و از مصائب و مشکلات سازسازی، نگاه حاکم مدرسالارانه در سازسازی، آسیب‌ها و تبعیض‌ها سخن گفتیم.

گروهی ندارند. یک سازساز، کارگاهی دارد و در نهایت با یکی، دو نفر مشغول به کار است. خودم همیشه تنها کار کرده‌ام. استاد امیرعظایی نیز در تمام این سال‌ها به تنهایی کار کرده، اما موسیقی فعالیتتی گروهی محسوب می‌شود. این اتفاق وجه تمایزی میان سازنده ساز با دیگر فعالان عرصه موسیقی است و البته باعث نادیده‌گرفتن او نیز می‌شود.

سرآخر خواننده یا نوازنده دیده می‌شود و شاید اصلاً اسمی از ساز هم به میان آورده نشود. بارها به دوستان اعتراض کرده‌ام. هنر باید ارائه شود؛ اگر ارائه نشود، دیده نخواهد شد و هنرمند باید سازساختن را در گوشه‌ای از خانه‌اش قرار دهد. نام آهنگ‌ساز و نوازنده روی جلد آلبوم می‌آید، ولی هیچ‌کجا نامی از سازنده ساز نیست. درحالی‌که او تأثیر بسیار زیادی دارد. اگر چهار ساز خیلی خوب را هم کنار یکدیگر بگذارید، از لحاظ تنالیت و رنگ صدا فرق دارند. حس‌وحال، بمی و زیری، حجم و لحن صدا متفاوت است. دوستان لطف دارند و می‌گویند: «سازهایی که می‌سازی، صدای خیلی خوبی دارد»، ولی با این حال لحن سازسازهای با سازهای استاد فرق دارد. این تفاوت از روحیه، انرژی و حس من سرچشمه می‌گیرد. خواننده‌سالاری وجود دارد؛ البته اوضاع در سال‌های اخیر بهتر شده و آهنگ‌ساز و نوازنده تا جایی مطرح می‌شوند، ولی همچنان جای سازنده ساز خالی است. اگر ساز خوب نباشد، نمی‌توانید صدای خوبی از آن درآورید.

علی‌اکبر شکارچی، کمانچه‌نواز نامدار ایرانی چندی پیش شما را تحصین کرد و گفت: «کمانچه‌های مریم سورنامهر از حیث صنعت با سازهایی که مردان می‌سازند، برابری می‌کند»؛ این تمجید، اما روابنگر تبعیضی پیدا و پنهان و حکمرانی فضایی مدرسالارانه بود. شما به‌عنوان یک زن در سازسازی با چه موانع و مصائبی دست به‌گریبان بودید؟

بله، صد درصد. سال‌ها مرا در هیچ‌کجا قبول نمی‌کردند. وقتی ساز چنگ را ساختم، چندین مخالف شدید پیدا کردم؛ آقایانی بودند که ادعاهایی داشتند. سخنانشان مستند نبود، درحالی‌که من از جشنواره موسیقی فجر در سال ۱۳۸۰، لوح افتخار گرفتم. هیچ‌کدام پیش از من مدرکی نداشتند که چنین کاری انجام داده‌اند، اما به قدری مرا تحت فشار گذاشتند و اذیت کردند که مدتی سازسازی را کنار گذاشتم. در جواب آنها، قولی از استاد مهدوی را مطرح می‌کنم و می‌گویم: «هنر سازسازی، هنر مستغرقه‌است». صنایع دستی، صنایعی هستند که طرافت دارند و در حقیقت صنایع طریقه هستند. بخشی از سازسازی به صنایع دستی و بخشی دیگر به موسیقی ارتباط دارد.

ک جایی که امروز ایستاده‌اید، چقدر با نقطه ایدئالی که در ذهن دارید، فاصله دارد؟

متأسفانه در هر حوزه و رشته‌ای، رانت‌هایی وجود دارد. از روزی که سازسازی را شروع کردم تا امروز، زحمت زیادی کشیده‌ام. بسیار تلاش کردم این رشته وارد دانشگاه شود. استادان بسیاری شاهد تلاش‌های من بوده‌اند. بعد از ضربه‌هایی که خوردم و سختی‌هایی که کشیدم، به‌دلیل نبود حمایت‌ها در جاهایی به سختی توانستم روی پای خودم بایستم. البته هیچ‌گاه به دنبال حمایت نبوده و نیستم. اما در کل سازسازی نیازمند حمایت است. اکنون بعد از دو دهه، مریم سورنامهر را می‌شناسد، اما در این میان، فردی هست که تنها دو، سه سال از آغاز به کار او می‌گذرد، ولی با القاب، حمایت‌های خانوادگی و روابط با اشخاص بلندپایه موسیقی توانسته در عرض دو سال، سازش را در دست استادان صاحب‌نام قرار دهد و خود را تبلیغ کند.

من روی پای خودم ایستادم و به‌تنهایی جلو آمدم. ۲۰ سال طول کشید تا به نقطه کنونی برسم، اما شخصی با دو، سه سال فعالیت توانسته به جایگاهی فراتر از تصور برسد، درحالی‌که شاید توانایی ساخت کامل یک ساز را نداشته باشد. او به دلیل برخورداری از حمایت‌های همه‌جانبه، پشتیبانی مالی، رانت خانوادگی، روابط موسیقایی و... بسیار بیشتر از من و دیگران ساز می‌فروشد و به دست مردم می‌دهد.

خداوند روزی هر فردی را می‌رساند؛ منظورم آسیب‌هایی است که در حوزه سازسازی وجود دارد. من روی پای خودم ایستادم و نزدیک به دو دهه طول کشید تا به جایگاه امروز برسم. البته نمی‌دانم این فرد تا چه اندازه دوام می‌آورد.

ک آینده سازسازی در ایران را روشن می‌بینید یا تاریک؟

اگر نتوانیم دوباره این رشته را وارد دانشگاه کنیم، نمی‌توانم سازسازی به کجا می‌رسد. پیام‌های خصوصی بسیار زیادی از علاقه‌مندان برای برگزاری کلاس و آموزش دارم. من با استادم چگونه می‌توانیم جواب‌گوی این تعداد از هنرجویان باشیم؟ وقتی حمایتی صورت نگیرد، نمی‌توان انتظار پیشرفت داشت. بشخصه آرزو دارم رشته سازسازی را به‌صورت رسمی و دائمی در دانشگاه داشته باشیم. البته هنوز با مشکلاتی مانند ممانعت از نمایش ساز در صداوسیما مواجه هستیم و مسیر دشواری پیش‌روی همه ما قرار دارد. در نمایشگاهی بودیم که دختر ۱۸ساله نمی‌دانست فرق سه‌تار و کمانچه چیست! من به او چه بگویم؟! باید حداقل سالی یک یا دو بار نمایشگاهی بزرگ برگزار کنیم؛ نه نمایشگاهی خصوصی که چند نفر دور هم‌دیگر جمع می‌شوند و با زدنوبند، چند اثر را به نمایش می‌گذارند.

هنر باید ارائه شود. باید نمایشگاه‌هایی درست و حسابی برای ارائه برگزار کنیم. اگر چنین اتفاقی رخ ندهد، آینده روشنی برای نامیت موسیقی متصور نیستیم. نمی‌دانم کدام معاونت یا اداره در وزارت ارشاد متولی انجام این کار است. جالب است بدانید من سه، چهار سال است منتظر هستم جلسه اعطای درص هنری من تشکیل شود! هنوز انتظار می‌کشم مدرک درجه هنری‌ام را ارسال کنند. یعنی برگزاری یک جلسه این‌قدر سخت است؟ قرار است چهار عضو شورا دور هم‌دیگر بنشینند و جلسه تشکیل دهند، درحالی‌که چند استاد به من دستخط داده‌اند و سازهای مرا تأیید کرده‌اند.

تمام عوامل فعال در موسیقی به هم‌دیگر متصل هستند. من باید ساز خوبی بسازم و استاد برجسته‌ای باید سازم را بنوازد و نظرش را بدهد. نظر او برای من بسیار محترم است. اصلاً ساز می‌سازم که او بنوازد؛ غیر از این نیست. اگر استاد به من نگوید: «صدای ساز تو خوب است»، چه کسی بگوید؟ وقتی ما مدرکی که در دست داریم، چهر سال است منتظر تشکیل جلسه هستیم، دیگر چه آینده‌ای می‌توانم برای سازسازی متصور شوم؟

هرچند بشخصه به دنبال مدارک نیستیم. روزی استاد کیهان کلهر به من گفت: «سازی که تو برای من بسازی و در دستم باشد، از صد درجه هنری بالاتر است». افتخار داشته‌ام برای او ساز بسازم. تنها فردی بعد از استاد امیرعظایی هستم که برای استاد کلهر، به‌دلیل کمیت‌های مست و ولی وقتی در حد برگزاری یک جلسه به ما اهمیت نمی‌دهند، واقعاً نمی‌توانم نقطه ایدئالی برای سازسازی تجسم کنم.

ک در زندگی هنری، به آنچه شخصاً در ذهن داشته‌اید، دست یافته‌اید؟

من سازی ساختم‌ام و به پنج استاد بزرگ نشان داده‌ام. همان‌طوره که می‌دانید سبک استادان با هم‌دیگر متفاوت است. یکی پوزنسیون بالا و دیگری پوزنسیون پایین می‌نوازد اما تمام استادان، صدای ساز مرا تأیید کرده‌اند. تلاش کرده‌ام تا به این نقطه برسم، ولی وقتی سازنده‌ای فقط با یک یا دو نوازنده خاص کار می‌کند، اگر ساز او مشکل داشته باشد نیز نوازنده صدایش را تأیید می‌کند؛ چراکه نمی‌خواهد شخصیت خود را زیر سؤال ببرد. سازی خوب است که پنج نوازنده بنوازند و همگی سلامت صدا را تأیید کنند. اگر سازهای متفاوتی را نزد استادان بیرم و نظرشان را بخواهم، چگونه می‌توانم درباره کیفیت کارم به نتیجه‌ای درست برسم؟ فردی هست که ۲۰ ساز ساخته و فقط دو نمونه خوب درآمده است.

ک سخن پایانی شما را می‌شویم...

باز هم می‌گویم من تمام تلاش خود را به کار گرفتم، اما همیشه تلاش‌ها لزوماً به نتیجه دلخواه منجر نمی‌شوند. وقتی دانشجو بودم نیز سعی زیادی برای سازسازی کردم ولی به کجا رسید؟ پنج سال بعد، دانشگاه رشته سازسازی را تعطیل کرد و تمام شد. اکنون دیگر کسی نمی‌گوید سوزنا مهر دانشگاهی بوده است. اتفاقاً چند سال پیش می‌خواستم دوباره برای احیای رشته دانشگاهی سازسازی اقدام کنم، ولی توان نداشتم. روابتی که دیگران دارند من ندارم. همیشه مستقل و با یک استاد کار کرده‌ام. شاید باورش سخت باشد اما من هنوز هم خیلی از نوازندگان را نمی‌شناسم.

چند روز پیش سوار تاکسی اینترنتی شدم. با دوستم در حال صحبت بودیم و راننده متوجه شد من ساز می‌سازم. پرسید: «اسم شما چیست و چه سازی می‌سازید؟» گفتم: «سوزنا مهر هستم و کمانچه می‌سازم». با شوق فراوانی گفت: «من سازهای شما را دیده‌ام و صدایش را خیلی دوست دارم. استادم از شما خیلی تعریف می‌کند». تعریف این راننده برای من کافی است. او آدمی معمولی است که مسافرکشی می‌کند ولی عاشق کمانچه است و کمانچه می‌نوازد. از لرستان به من سفارش ساز می‌دهند. زنی با دخترش نزد من آمد و گفت: «مروم لرستان به‌ویژه درورد عاشق شما هستند». گفتم: «من تا حالا پایم را در لرستان نگذاشته‌ام». می‌دانید دورود، مرکز ساخت کمانچه است و سازندگانش ادعاهای بحتی هم دارند. من از این منطقه، سفارش کمانچه پشت‌باز لری دارم. کار آدم باید حرف بزند، نه روابط اجتماعی.

استادی درباره همکاری با یکی از سازندگان ساز، با شرمندگی به من گفت: «یکی از اقوام، دوست صمیمی من است و در رودبارستانی مجبور شدم با ساز ایشان بنوازم و فیلم بگیرم». من چه بگویم؟ برای من همین نکته مهم است که زنی از لرستان به خانه من آمده تا ساز بگیرد، یعنی کارم تا این حد برای او اهمیت داشته است. فردی از من ساز گرفت و برای پسرش رد ایتالیا فرستاد. او به من گفت: «وقتی ساز می‌زنم، ایتالیایی‌ها دور من جمع می‌شوند».

در پایانه، بینی از حضرت مولانا می‌گویم: «چون چنگم و از زمزمه خود خبرم نیست/ اسرار همی گویم و اسرار ندانم».

روزنه

جمعی از خوش‌نویسان به همت جواد بختیاری با اهدافی بزرگ دور‌هم جمع شدند

بنیانی برای حفظ و اعتلای هنری زیبا، اصیل و کهن

● شرق: شاید برای نسل امروز، «نستعلیق» در چند فونت برای زیباسازی نوشته‌های موجود در موبایل‌ها و کامپیوترها خلاصه شود؛ اما در پس پرده، تاریخی ۲۰۰ساله پنهان شده و هنری عظیم از دل توفان‌ها سربلند بیرون آمده است. روزگاری خوش‌نویسان قلم در دوات می‌زدند و روی کاغذ به رقص درمی‌آوردند. خط خوش برای خطاطان مایه فخر بود و احترامی نزد مردم و حاکمان برایشان به همراه داشت. بسیاری از ابیات جوادانه شعرای بزرگ ایران‌زمین مانند مولانا، حافظ، سعدی، خیام و صائب با هنر خطاطان نام‌آور ایران‌زمین در حافظه مردم این سرزمین ماندگار شده؛ اما این هنر زیبا و کهن هیچ‌گاه به اندازه دیگر هنرهای ایرانی ازجمله موسیقی و نقاشی، قدر ندیده است. چندی پیش جواد بختیاری، خطاط صاحب‌نام ایرانی به همراه چند نفر از همکاران و همراهان خویش، تصمیم به تأسیس بنیانی برای حفظ و اعتلای هنر خوش‌نویسی گرفت؛ بنیان مهستان هنر. هیئت مؤسس بنیان مهستان هنر با حضور جواد بختیاری، محمدعلی سبزه‌کار، بنفشه مصری‌پور و جمعی از استادان خوش‌نویسی در نشست خیری روبه‌روی خبرنگاران نشستند و از اهداف و برنامه‌های خود سخن گفتند. بختیاری از چهره‌های برجسته هنر در ایران به شمار می‌رود. او فارغ‌التحصیل رشته الکترونیک بود؛ اما به سمت‌وسوی هنر کشیده شد. در ابتدا قلم در دست گرفت و مقابل بوم نشست؛ ولی در ادامه شیفته خوش‌نویسی شد و جوهر را به رنگ ترجیح داد. تحصیلات مهندسی و تسلط بر علم ریاضی سبب‌ساز کشف و تحولی در خط نستعلیق به دست جواد بختیاری شد. او برای نخستین‌بار نسبت‌های طلایی در خط نستعلیق را کشف کرد و تدریس خوش‌نویسی را بر مبنای «نسبت‌های طلایی» به شکل قاعده‌مند ادامه داد. بختیاری در قامت رئیس هیئت مؤسس، یاد استادان خوش‌نویسی و نگارگری را گرامی داشت و در نشست خبری، آغاز فعالیت بنیان مهستان هنر ایران را به صورت رسمی اعلام کرد. اعضای هیئت مؤسس بنیان مهستان هنر که بختیاری را همراهی می‌کنند، محمدعلی سبزه‌کار (خوش‌نویس و ادیب)، بنفشه مصری‌پور (خوش‌نویس)، علی سلیمانی (خوش‌نویس)، امین مطلبی (خوش‌نویس و عکاس)، احمد کاشفی‌فرد (خوش‌نویس و عضو هیئت علمی دانشگاه جندی‌شاپور)، علی رضایی و فردوس مجیری هستند.

تلاش برای ثبت جهانی نستعلیق

عشق و علاقه به فرهنگ ایران‌زمین و البته ایران فرهنگ، بختیاری و وارثان را بر آن داشت که تلاش‌ها برای حفظ خوش‌نویسی را ساماندهی کنند و با تأسیس بنیانی به کوشش‌ها جهت بدهند. ارتقای استاندارد زیبایی‌شناسی جامعه و کمک به ارتقای سطح ذوق زیبایی‌شناسی در مهستان هنر بنیان مهستان هنر به شمار می‌رود. همچنین قرار است نشست‌های تخصصی مهستان هنر به صورت هفتگی برگزار شود؛ چراکه بنیان‌گذاران این بنیان بر این باورند ویتترین مهستان هنر با نشست‌هایش شکل خواهد گرفت. «هنر ایرانی، شهروند جهانی»، شعار بنیان مهستان هنر است که نشان می‌دهد اهداف و رؤیاهای بزرگی برای این بنیان ترسیم شده است. ثبت جهانی هنر نستعلیق، یکی از هدف‌گذاری‌های مهم بنیان مهستان هنر است. متأسفانه در سال‌های اخیر اخباری مبنی بر ثبت میراث فرهنگی و حتی شعرای بزرگ ایران‌زمین به نام کشورهای همسایه منتشر شد که تأسف و اعتراض اهالی هنر و حتی مردم جامعه را به دنبال داشت. بنیان‌گذاران مهستان هنر، تذکره زیادی به سوی همه کسانی دراز کرده‌اند که می‌توانند در این عرصه کمک کنند. بختیاری انفعال را می‌پذیرد و معتقد است همسایگان ایران همچنان در حال ثبت هنرهای ما به نام خود هستند؛ به‌همین‌دلیل باید ثبت جهانی نستعلیق با جدیت پیگیری شود و به سرانجام برسد.

جایگزینی دیوار با کفا

جایگزینی فرهنگ توجه با کف با دیوار خانه، یکی دیگر از اهداف مدنظر بنیان مهستان هنر محسوب می‌شود. جامعه ایران در تزئینات خانه، بیشتر به فرش، مبلمان و مجسمه توجه دارد و چندان به تابلوهایی که به دیوار می‌آویزد، اهمیت نمی‌دهد. در صورت تقویت این نگاه، تعامل هنری بین هنرمند و جامعه شکل می‌گیرد و در خانه‌های ایرانی نیز جلوه‌های هنری، نمود بیشتری خواهد داشت. جایزه سالانه‌ای به‌عنوان مهستان نیز در حوزه هنرهای تجسمی پیش‌بینی شده است؛ متأسفانه کشورهای همسایه فضایی فراهم کرده‌اند که هنرمندان جوان ایرانی را جذب می‌کنند و به نوعی روی هویت هنرمندان این سرزمین اثر گذاشته‌اند. مهستان می‌کوشد با حفظ هنرمندان جوان و البته فراهم‌آوردن شرایط مطلوب، از خروج نخبگان و سرمایه‌های انسانی هنر نیز جلوگیری کند.